

## استیضاح یا افتضاح

من این عنوان را از یکی از نوشته های زیبایی که در پورتال افغان - جرمن آنلاین به قلم رسای دانشمند افغان جناب پوهاند داکتر محمد نادر عمر چاپ شده بود برگزیده ام که امیدوارم پوهاند صاحب گرانقدر بر من بیخشایند. از چند هفته بدینسو همه نشرات مطبوعات داخل و خارج کشور اعم از جراید، رادیو و تلویزیون ها را موضوع استیضاح دو تن از وزیران کابینه حامد کرزی از طرف پارلمان فرمایشی (ولسی جرگه) بخود معطوف ساخته است. تعدادی از وکلای دسیسه ساز ولسی جرگه عودت ناگهانی پناهندگان افغان را از ایران بهانه قرار داده و وزرای امور مهاجرین و عودت پناهندگان و امور خارجه را بدین مناسبت برای استجواب و استیضاح به شورا دعوت کردند. و هر دو را بعد از ارتکاب اعمال غیر قانونی و جدالها و دسیسه کاری ها سلب اعتماد کردند.

من در مورد وزیر امور مهاجرین و عودت پناهندگان اظهار نظر نمیکنم چه گفتنی زیاد است و صحبت به درازا میکشد صرف همینقدر به عرض میرسانم که نامبرده به نظر من هم مسؤول و قاصر است، زیرا در این پنج سالی که گذشت و ملیاردها دالر کمک جهانی که در وطن ما سرازیر شد، اگر این شخص از لیاقت، درایت، ظرفیت و احساس وطن دوستی و بشر دوستی برخوردار می بود، می توانست پروژه هائیرا سازمان داده و پیاده کند که امروز افغانستان میتواند مهاجرینش را از کشور های مختلف به خوبی و با آبرو بوطن رجعت داده و از آنها به حسن صورت و مطابق حق و حقوق شان پذیرائی نماید.

گرچه در اینبار یک نکته قابل یادآوری است. در سال های ۲۰۰۳ یا ۲۰۰۴ بود که به اثر تقاضای کشور های فرانسه، بلجیم و انگلستان شخص عبدالله عبدالله که امور وزارت خارجه را در اختیار داشت به پاریس، بروکسل و لندن سفر نمود و با همراهی سفرای افغانستان در پاریس و لندن سند توافق بازگشت اجباری پناهندگان افغان را با مقامات این کشور ها امضاء نمود که به اثر آن تعداد بی شماری ازین پناهندگان را حکومت این کشور ها به زور و جبر سوار طیاره ها کرده و به افغانستان پیاده نمودند. آنها هم مثل همین پناهندگان امروزی که به اصطلاح ایرانی ها (رد مرز) شده و در دشت ها بی سرنوشت و بی سرپناه افتاده اند، آنها هم در کوچه های کابل بی سرپناه و بی سرنوشت به گدائی پرداختند. در آن وقت مگر جناب محمد یونس قانونی مرده بودند یا کور و کر و گنگه شده بودند و چشم و گوش و زبان نداشتند که در برابر (معاون داکتر) عبدالله عبدالله (۱) احتجاج میکردند و این عمل او را محکوم می نمودند. در باره فجایع و رفتار غیر بشری ایرانی ها بر پناهندگان افغان در گذشته ها و بی تفاوتی رژیم تنظیمی زمان حکمرانی ربانی و شرکا (مسعود ها ، قانونی ها ، فهیم ها و غیره) گفتنی زیاد است ولی آنرا می گذاریم برای مبحث مستقل دیگر.

حالا میرویم به سراغ استیضاح داکتر سپینا وزیر امور خارجه :

این موضوع در این شب و روز تمام جراید و نشرات مطبوعات داخل و خارج را پر کرده و اکثریت عظیم نویسندگان و مفسرین سیاسی و اجتماعی به طرفداری از وزیر مذکور و مذمت ولسی جرگه مبنی بر پایمال نمودن قانون اساسی و توطئه و سبوتاژ دولت می نویسند، بجز تعداد ناچیزی از مفسدین و ناپکاران و توطئه گران مانند زیوری ها و کوشان ها و چند رسوای دگر که تحت نام های مستعار به طرفداری از اقدام بی قانونی و باندش می نویسند و یا به زیر چادری ها در تالار های انترنتی پالتاک "Paltalk" آمده لجن پرانی میکنند، مخالفین جدی دگر سراغ نمیشود.

من در باره کمبودی ها و نارسائی های این استیضاح که بسیارند نمی نویسم چه نویسندگان ملی و وطن پرست افغان مقالات مفصل و مستند بیشماری در آن باره نوشته اند و همه در پورتال ملی افغان - جرمن آنلاین به چاپ رسیده است و پرده از روی این توطئه بزرگ برداشته اند. همه این مقالات در آرشیف مقالات این پورتال موجود اند. خوانندگان عزیز میتوانند آنها را به دقت مطالعه فرمایند و به کنه و عمق قضیه و به حقایق پشت پرده پی ببرند. اما یک موضوع را ناگزیرم تذکر دهم تا خوانندگان عزیز به عمق قضیه ملتفت شوند و دلیل اصلی این توطئه را که همان مداخله دولت ایران در امور افغانستان است به روشنی دریابند.

اگر به تعاملات منطقه ای بنگریم، می بینیم که دولت ایران با دامن زدن به نا امنی در عراق، اضلاع متحده را وادار کرده است با ایران داخل مذاکره شود، و این خود امتیازی است که ایرانی ها از امریکا میگیرند. دولت ایران به اساس تجربه اش در عراق ، اکنون میخواهد در افغانستان به بی ثباتی و بی امنی دامن بزند و از این راه از امریکا

امتیاز دیگر بگیرد. یکی از راه های دامن زدن به بی ثباتی در افغانستان اخراج پناهندگان افغان از ایران است که با این اقدام میخواد به گونه غیر مستقیم بر امریکا فشار آورده و آن کشور را وادار به نرمش در برابر پروگرام های اتمی اش سازد. در چنین وضعی نمایندگان پارلمان افغانستان بدون اینکه زحمت تحلیل سیاست های دولت ایران را به خود بدهند بر وزیر خارجه می تازند. از سوی دیگر، اگر به موضع گیری وزیر خارجه افغانستان در برابر پروگرام های اتمی دولت ایران بنگریم، در می بینیم که دولت ایران از این موضع گیری وزیر خارجه افغانستان ناراضی است. چه داکتر سپینا بار ها اعلام نموده است که افغانستان علاقه مند است که این منطقه عاری از سلاح های اتمی باشد. در چنین وضعی دور از انتظار نیست که دولت ایران توسط مزدورانش که کم هم نیستند به توطئه در برابر وزیر خارجه افغانستان حتی در داخل پارلمان بپردازد.

چیزی که برای من نه تنها دردناک بلکه سوال برانگیز است، اینست که این استیضاح توسط آدم های صورت گرفته است که خود شان تا گلو در کثافت، فساد، جنایت و خیانت غرق اند، خاصاً ربانی و قانونی که از اهمال تنگین خود یک بر هزارم را هم جواب داده نمی توانند. جنایات، فساد و قتل های ربانی را در یک نوشته مفصل زیر عنوان (چلنی به چلو صاف گفت دگور سوراخ هایت) در ماه نومبر ۲۰۰۶ نوشته بودم که میتوانی آنرا در آرشیف مقالات پورتال افغان - جرمن آنلاین مطالعه فرمائید. حالا برویم و به گفته حافظ شیراز گوشه چشمی بسوی جناب محمد یونس قانونی و شخصیت کمیلونش بیفکنیم.

### به هر رنگی که خواهی جامه می پوش / من از طرز خرامت می شناسم

عطش قانونی به ریاست شورای ملی ننشسته ادعای وی فراتر از آنست. پس از سقوط دوره منحط طالبان در آغاز دوره جمهوری در افغانستان قانونی در صدد تشکیل حزبی به نام (نهضت ملی) بر آمد و به مشوره احمد ولی مسعود که در آنوقت کل اختیار سفارت بود و هست، زلمی حقانی و محراب الدین مستان که در آن زمان کل اختیار سفارت افغانستان در پاریس بودند و همایون تندر که کل اختیار سفارت در بروکسل بود و هست و خواهد بود (۱۵۰) نفر افغانهای مختلف النوع را دعوت نمود و جلسه بزرگی را تشکیل داد. سفریه و مصارف طعام و بود و باش همه را در یکی از هتل های لوکس لندن (ممکن ۴ یا ۵ ستاره) که در حدود مبلغ (۱۰۰۰۰۰۰) یک میلیون دالر بالغ گردید از جیب خود پرداخت. من از جناب قانونی سوال میکنم که صادقانه (اگر آثار صداقتی هنوز تزد شان موجود باشد) بگویند که این پول هنگفت را که در سه روز برگزاری این گردهمایی مصرف نمودند از کجا بدست آورده بودند؟ اگر از اندوخته های تان در زمان جهاد بوده باشد و یا از فروش لاجورد بدخشان و زمرد پنجشیر بوده حسابش جداست و روزی در برابر ملت افغانستان جواب خواهید گفت، ولی اگر از طرف روسیه و یا ایران کار سازی شده باشد موضوع بکلی فرق میکند و این موضوع را باید جناب لوی حارنوال افغانستان بررسی کنند. همچنان موضوع زمین های شیرپور را که به اساس اسنادی که در شاروالی کابل موجود است جناب قانونی برای بیش از ده نفر اعضای فامیلش بدون داشتن استحقاق زمین گرفته است قابل تحقیق است.

مخصوصاً تشویش من از ایران است که چون ایران در نظر دارد قانونی را احمدی نژاد افغانستان بسازد، توطئه فرو پاشی کشور مارا روی دست گرفته است و با تفاهم با روسیه طرح مصالحه ملی شامل احزاب پرچم و خلق، جمعیت، وحدت و غیره گروه های وابسته به ایران را ریخته است.

ایران با خروج دسته جمعی اجباری مهاجرین افغان، بر افغانستان فشار وارد ساخته در نظر دارد گروهی مانند طالبان را که پاکستان ایجاد کرده بوجود آورد تا برای افغانستان درد سر دائمی گردد. برای رسیدن به این هدف در صدد دور کردن سیاست مدارانی از قبیل داکتر سپینا از کدر رهبری افغانستان و تعویض آن توسط گماشته شان که با الفبای دیپلماسی آشنائی و معرفت ندارد بر آمده است.

تعویض سیاست مدار دانشمندی چون داکتر سپینا توسط (معاون داکتر) عبدالله عبدالله همان وزیر اسبقی که در اتاق وزارت هنگامیکه در حالت معاشقه با یکی از معشوقه هایش (همسر یکی از همگاراننش که امروز به همین مناسبت به سفارت رسیده است) در اثر ضربه بر در پرده و فرو افتادن آن محافظین دویدند که چه حادثه بر سر وزیر رخ داده است؟ و از دیدن آن منظره خجالت آور، شرمیده پس سر خود را خاریده رفتند.

در فرجام میخوام بر یک پراگراف از نوشته پر مرض و غرض محمد قوی کوشان تبصره کوچکی نمایم و آن اینک:

قوی کوشان در بخشی از مقاله اش که در سایت کمونیستی خاوران به چاپ رسیده چنین می نویسد:

"..... موقع دیگر به تقسیم درصدی کارمندان وزارتش به اقوام می پردازد و قول تعدیل آنرا میدهد، بعد که زورش نمی رسد، مثلاً بیش از هشت سفیر کشور را از متعلقین خانواده سلطنتی سابق مقرر میکند."

آقای کوشان شما چرا از دروغ گوئی و بهتان و لجن پراگنی منصرف نمی شوید؟ شما فکر میکنید با لجن پراگنی های تان آدم بزرگ جلوه میکنید؟ نخیر چنین نیست!! شما همان آدم کوچک و حقیری هستید که بودید و خواهید بود!!

من از بی قدری خار سر دیوار دانستم      که ناکس کس نمی گردد به این بالا نشستن ها  
" بیدل "

شما این هشت تن سفیر متعلق به خانواده سلطنتی را از کجائی تان کشیده اید؟؟ من که در بین سفرای افغانستان یکی را هم متعلق به خانواده سلطنتی افغانستان نمی بینم!! شما لطفاً اینها را معرفی بفرمائید! اگر منظور تان از " فرید زکریا " فرزند شهید مرحوم حبیب جان زکریا و " خالد زکریا " فرزند سلطان حمید زکریا و " محمد رحیم شیرزوی " باشد، اینها که اصلاً متعلق به خانواده سلطنتی نیستند. صرف از تبار محمد زائی میباشند که امیدوارم شما اینقدر عقل داشته باشید که بین محمد زائی تباران و اعضای خانواده سلطنتی فرق کرده بتوانید. برای معلومات شما به عرض برسانم که خانواده های اشرف ، زکریا ، شیرزوی ، یونسی ، شیرزاد ، مسکین یار ، نوری ، عزیزى ، عثمان ، رسول و ... و .... مربوط به خانواده سلطنتی نیستند. درست است که محمد رحیم شیرزوی مدتی افتخار ریاست دفتر اعلیحضرت را در روم داشتند و مانند هزاران تبعه افغانستان به اعلیحضرت پادشاه افغانستان وفا دارند. ولی دو تن دیگر یعنی زکریا ها از سر سپردگان امر صاحب شما " احمد شاه مسعود " و شورای نظارند. و هر دو از بوت پاکان "معاون صاحب داکتر" عبدالله عبدالله میباشند. چنانیکه خالد زکریا خبر رای گیری ریاکارانه روز پنجشنبه ولسی جرگه را به پول سفارت افغانستان در کوریا، پیش از نشر این خبر در رسانه ها به تمام جهان اطلاع داد که " سپینتا برطرف شد " و بسیار با شفع و خوشحالی به دوستانش آوازه خود ساخته زمرد فروشان را اطلاع داد که "داکتر صاحب عبدالله به وزارت خارجه برمیگردند". جناب آقای کوشان! شما لطفاً گپ تانرا پس بگیرید و این شما و زیوری استید که باید از داکتر رنگین سپینتا معذرت بخواهید!!

ختم

## توضیحات :

(۱) چرا " معاون داکتر "؟ برای اینکه عبدالله میوه انستیتوت طب کابل است در زمان حکمرانی احزاب بد نام و وطن فروش خلق و پرچم و اشغال افغانستان توسط شوروی یا باصطلاح "کشور شورا ها" که فاکولته طب و دوره تحصیل ۷ ساله و جدی کشور را از بین برده بودند و به عوض آن انستیتوت طبی را برای دوره پنج سال بنا نهادند. آنهم که سوپه درس و لیاقت در آن مطرح نبود و باید محصل پیش از هر چیز به تاریخ انقلاب اکتوبر وارد می بود. نمودارم چگونه وزرای تحصیلات عالی در خلال شش سال حکمرانی دولت تیکه داران تنظیمی و پنج سال دولت جناب کرزی متوجه اینکار نشدند و تکمیل تحصیل را برای نیم چه داکتران فراهم نساختند. طویکه در گذشته معاونین داکتر در صنف چهارم فاکولته شامل می شدند و پس از فراغت از صنف پنجم و یکسال سناژ مستحق دیپلوم طب می گردیدند.

(۲) در نوشتن این پراگراف از نوشته جناب جواد رها تحت عنوان ( استیضاح وزیر خارجه ، پشت پرده نمایش ) که در پورتال افغان - جرمن آنلاین چاپ شده بود، استفاده نموده ام . شما میتوانید این نوشته زیبا را هنوز هم در صفحه تحلیلات پورتال فحیم افغان- جرمن آنلاین [www.afghan-german.com](http://www.afghan-german.com) مطالعه فرمائید.